

آنتسوی آب

چینی‌های کلاهر دار

دیلی میل: دنیا برای آنتونی جانسون و مادرش ژنه هم روی خوشش را نشان داد هم روی بدش را. آنها در یک حراج بزرگ توانسته بودند یک گلدان عتیقه را – که متعلق به خاندان پادشاهی چین بود – به قیمت ۵۳میلیون پوند بفروشند تا دیگر هیچ غمی در زندگی نداشته باشند اما خوشی آنها تنها شش ماه دوام داشت چراکه به دلیل مشخص نشدن هویت خریدار هیچ پولی به آنتونی نرسید. بعدها این بحث مطرح شد که احتمالا آنتونی و مادرش جزو قربانیان برنامه حساب شده دولت چین برای بر خورد با فروش عتیقه‌هایی است که به صورت غیرقانونی از این کشور خارج شده. طبق ایسن نظریه حزب کمونیست چین افرادی را به عنوان خریدار به حراجی‌های مختلف می‌فرستد تا آنها اشیای چینی را بخرند اما پولی بابت آن پرداخت نکنند. گفته می‌شود خریدار آن گلدان گران قیمت یک ثروتمند چینی است که با مقامات ارشد این کشور ارتباط نزدیکی دارد. به نظر می‌رسد واینگ ژیانلین ۵۶ ساله همان شخصی بوده که افرادی را برای خرید گلدان به حراج غرب لندن فرستاده است. خانواده جانسون این گلدان قدیمی را – که متعلق به سال ۱۷۴۰ در – در هنگام تمیز کردن خانه یکی از نزدیکان شان پیدا کردند. این گلدان در جنگ تریاک قرن ۱۹ توسط سربازان انگلیسی از یکی از کاخ‌های پادشاهی دزدیده شد و یکی از اجداد آنتونی آن را به لندن آورده است. گلدانی که در حال حاضر در چین و در یکی از املاک ژیانلین قرار گرفته. او رییس یکی از بزرگ ترین شرکت‌های تجاری چین است و در حزب کمونیست کشورش هم عضویت دارد. طبق نوشته سایت‌های چینی زبان او با یکی از چهره‌های سیاسی کشورش ازدواج کرده و پیش از این در مورد علاقه‌اش نسبت به افتتاح نمایشگاهی از مجموعه هنری اش صحبت کرده بود. ارتباط او با حزب کمونیست چین باعث نگرانی آنتونی جانسون شده که آیا می‌تواند به پولش برسد یا اینکه مجبور است رو دست خوردن از آسیایی‌ها را ببخرد. او برای رسیدن به پولش به چین سفر کرد اما بعد از چند روز بدون گرفتن هیچ نتیجه‌ای به کشورش برگشت. بعد از این اتفاق سایت بلومبرگ، خبر داد که از حضور نمایندگان ژیانلین در یکی از حراج‌های اشیای چینی در فرانسه جلوگیری شده تا مبادا داستان کلاهر داری دوباره تکرار شود. مسوول این حراجی، تمام خریداران را به پرداخت ۱۷۵ هزار پوند بیهانه مجبور کرده و اینکه آنها موظفند



یک سوم رقم توافق شده در حراجی را طی یک هفته بعد از خرید جنس پرداخت کنند و بقیه پول هم باید حداکثر تا سه ماه پرداخت شود. جالب اینکه سخنگوی ژیانلین در گفت‌وگو با یکی از روزنامه‌های انگلیسی حضور رییس اش یا یکی از نمایندگان او در حراجی مربوط به گلدان را تکذیب کرده است.

لاتین تبار هم درس بخواند

برنامه ماریا گونزالز در تمام بعدازظهرهای جمعه، درس دادن به بچه‌های لاتین تبار شهر ترینگتون بوده در حالی که شغل او معلمی نبود ولی این کار را می‌کرد تا این بچه‌ها را به درس خواندن تشویق کند. گونزالز یک هدف برای خودش تعریف کرده بود: «بالا بردن سطح تحصیلات و میزان ورود به دانشگاه در میان جوانان لاتین تبار در ترینگتون و ویسنته.» چون این گروه به دلیل فقر یا مسلط نبودن بر زبان انگلیسی، دانشگاه را رویای دست‌یافتنی و ممکن‌نشدنی می‌دیدند.

این مشکل تازه‌ای در ایالت ترینگتون بود چون نرخ مهاجرت ناگهان افزایش پیدا کرده بود. براساس آمار سازمان مهاجرت، میزان دانش‌آموزان مهاجر در این ایالت ۲۱درصد بود، در حالی که نرخ کلی آن ۱۰ درصد است. گونزالز، برنامه خوددش را با بودجه‌ای کمتر از سه هزار دلار شروع کرد. تمام بعدازظهرهای جمعه جوانان مهاجر را در کلیسایی جمع می‌کرد تا گروهی درس بخوانند. هر هفته یک سخنران میهمان هم از برنامه‌های او بود و در پایان هم نیروهای داوطلب به صورت خصوصی با بچه‌هایی که در درس ضعیف‌تر از بقیه بودند، کار می‌کردند. با اجرای این برنامه، مردم ترینگتون دیدند، بچه‌هایی که مدرسه را راه‌می‌کردند و بعد از آن کاری برای انجام دادن نداشتند، به مدرسه رفتن علاقه نشان می‌دادند.

زندگی به عنوان همسر یک دیپلمات

اتفاق خوبی برای فلورنس امبویا بود

روزی روزگاری نویسندگی

ترجمه: رامین طبرسی

بسیاری از زنان آفریقایی بعد از ازدواج‌شان باید قید کار کردن را بزنند چراکه زندگی مشترک وقتی برای کارهای دیگر نمی‌گذارد. البته بعضی از اوقات هم تعصب شوهر آنها را خانه نشین می‌کند. این موضوع در بین زنانی که شوهرشان به عنوان دیپلمات در کشورهای خارجی کار می‌کنند، یک اتفاق عادی است. چنین زنانی مجبورند با شغل‌شان خداحافظی کنند و همراه شوهران‌شان به ماموریت اعزام شوند. اما داستان فلورنس امبویا فرق می‌کند. او که با شوهر دیپلماتش در ناپروبی زندگی می‌کند به جای کنار گذاشتن شغلش از این موقعیت بهترین استفاده را برد و حالا تبدیل به نویسنده معروفی در کشورش شده. فلورنس – که شوهرش سال‌های زیادی را به عنوان یک دیپلمات سپری کرده – می‌گوید: «بعد از ۲۵ سال حضور در کشورهای مختلف سال قبل بازنشسته شدم.» فلورنس در سال ۱۹۸۳ و زمانی که ۲۵ساله بود با شوهرش به رواندا رفت تا همسرش در سفارت کنیا در این کشور مشغول به کار شود. زندگی کاری او تحت تاثیر سفرهای مختلف همسرش قرار گرفته بود و شغل جدید فلورنس همراهی کردن شوهرش در مراسم‌های مختلف یا میزبانی از شخصیت‌های سیاسی بود. کاری که از نظر او کار راحتی نبود چراکه باید آداب و رسوم تشریفات را یاد می‌گرفت. مشکل فلورنس شوهرش نبود، بلکه قانون عجیب وزارت امور خارجه کنیا که همسران دیپلمات‌ها را از داشتن شغل در هنگام ماموریت خارج از کشور منع می‌کرد، دست او را بسته بود. «وظیفه من به عنوان همسر دیپلمات این بود همیشه با شوهرم باشم و از مقامات پذیرایی کنم تا تصویر خوبی از کشورمان به جا بگذارم.» مشکل اصلی فلورنس زمانی به وجود آمد که همسرش برای ماموریت عازم هلند شد و او را در خانه تنها گذاشت. او برای اینکه سر خودش را گرم کند اول تایپ کردن را یاد گرفت اما نمی‌دانست که این قضیه او را وارد مسیر نویسندگی خواهد کرد. «تنها کلمه مونیکا و چند کلمه دیگر را تایپ کردم.» مدتی بعد از این موضوع شوهر فلورنس که نوشته او را خوانده بود از او در مورد نویسندگی می‌پرسد و وقتی واکنش زنش

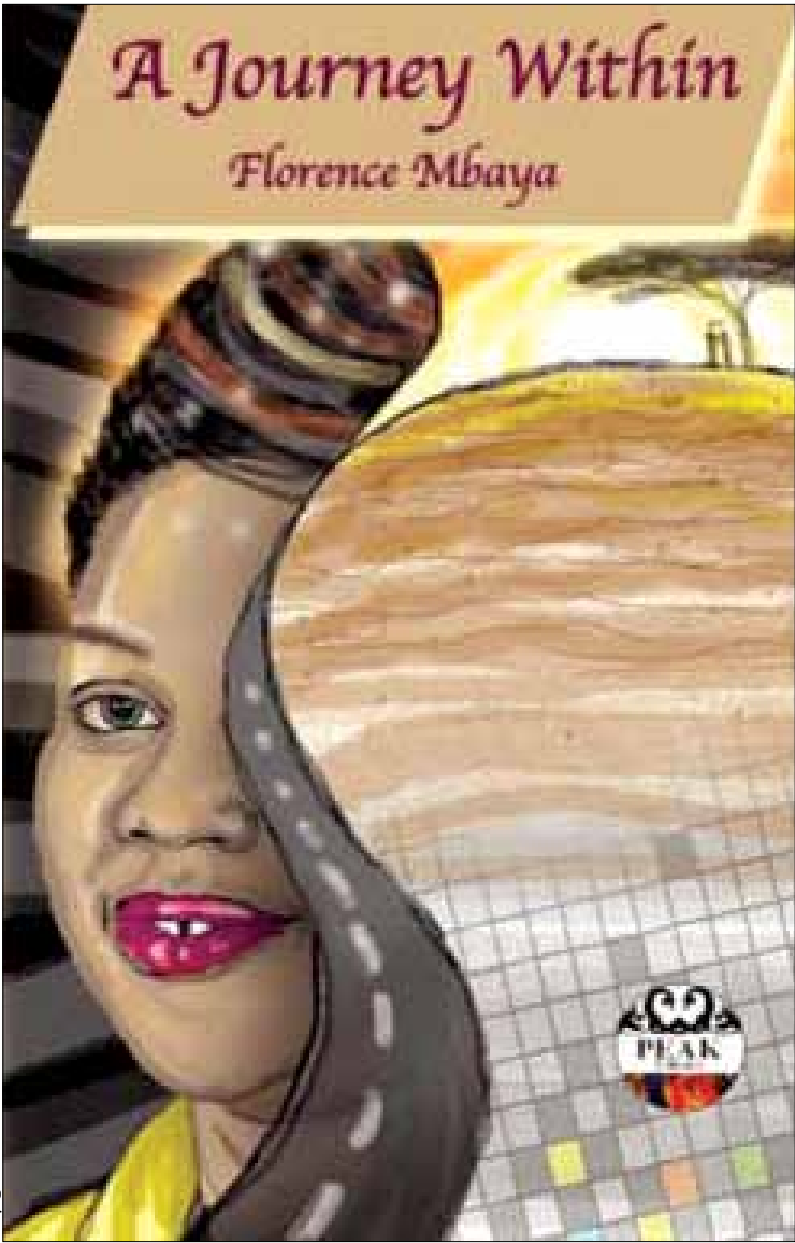
روایت تاریخی از کافه‌ای در قاهره

ترجمه: ندا مهدوی

همه جور آدمی را می‌توانید ببینید؛ از کارکنانورست و نویسنده گرفته تا دندانپزشک و بازیگر سینما. همه آنها به یک دلیل خاص دور هم جمع شده‌اند چراکه زمان ناهار است و همه منتظر فلفل هستند که به مسند رفته و نماز بخواند. سرتنگونی حسنی مبارک این روزها مهم‌ترین بحث افرادی است که در کافه ریچه دور هم جمع می‌شوند. گویا هیچ کس فکرش را نمی‌کرد که رییس‌جمهور مصر از قدرت کنار برود. یکی از آنها که جزو مشتریان قدیمی کافه است می‌گوید: «اولین روزی که من در آن زمان او را نمی‌شناختم و بعد از مدتی تازه متوجه شدم که با چه کسی هم‌نشین بودیم. اشخاص معروف زیادی در این کافه رفت و آمد داشته‌اند.» بحث به سمت فلفل و شخصیت مرموز او کشیده می‌شود. اینکه او می‌تواند در یک زمان همه جاباشد. در همین حین مردی که دست‌های کوچک و ظریفی دارد، وارد کافه می‌شود. کفش‌های کهنه‌اش کاملاًتوی چشم است. فلفل به محل کارش برگشته. گذر او برای اولین بار در سال ۱۹۴۳ به این کافه افتاد؛ زمانی که تنها ۱۳ سال داشت و از صحرای حبشه به قاهره آمد تا روابیاش را اینجا دنبال کند. عموی فلفل، دوست‌صاحب کافه بود. او کار را از گارسون‌های یونانی که به مشتریانی از کشورهای مختلف سرویس می‌دادند، یاد گرفت. فلفل که نام اصلی‌اش محمد سادک است همیشه با لقبش – که اولین رییس او به خاطر رنگ تیره پوستش به او داده بود – شناخته می‌شود. او در طول ۶۸سالی که اینجا بوده افراد زیادی را ملاقات کرده است. یکی از این افراد نقیب محفوظ، شاعر و نویسنده معروف مصری بوده که عکسش در کافه موجود است. فلفل می‌گوید: «محفوظ با همه صحبت می‌کرد و عادت نداشت که به کسی بی‌توجهی کند. او هیچ‌وقت راندگی نکرد. همیشه را س ساعت هفت صبح به کافه می‌آمد. اول کفش‌هایش را تمیز می‌کرد و بعد روزنامه می‌خواند. او دو فنجان قهوه ترک سفارش می‌داد که یکی از آنها را نمی‌خورد و سر این



دنیاگردی



عکس Ebbay

و با بچه‌ها در مورد آینده‌شان و تصمیماتی که در این زمینه خواهند گرفت، صحبت می‌کنم. خوشحالم که آنها از تجربیات من چیزی یاد بگیرند.» امبویا مادران خانه دار را تشویق می‌کند که از زمان‌هایی که دارند برای حضور در فعالیت‌های مفید استفاده کنند: «هر شخصی استعدادهای زیادی دارد. تنها باید یکی از آنان را کشف و گسترش دهد.»

منبع:شین هوا

جدول ۱۲۱۰

- پایتخت سوئد – یاری طلبیدن
- روحی – سنگ – مونر و اثر گذار
- گاه‌مهربان‌تر از مادر می‌شود – عبادتگاه مسیحیان
- نویسنده انگلیسی «لبه تیغ» – ۴ – لطیف – ناشنوا –
- جانشین – تیزهوشی – ۵ – سودای ناله – پوشاک سر –
- ضروری – پول آسیایی – ۶ – همت‌اگر سلسله‌جنبان شود، مور توانه که..شود – ماه سوم سال فرنگی – ۷ – بازدید از لشکر – فراهم ساختن – افزون – ۸ – در معدن بچوبید –
- کتاب مقدس قوم یهود – از چهار عمل اصلی – ۹ – مهیا – فقیر – گلزن بارسلون در کنار «یوئل مسی» – ۱۰ – نام دخترانه – انهدام – ۱۱ – تکیه‌دادن – حافظه جانبی رایانه –
- لحاف‌دوز – مکمل شلوار – ۱۲ – بالاترین نقطه – شایسته –
- فیلمی از بهرام بهرامیان – خالص – ۱۳ – یار داماد – سیر – سرپچی و نافرمانی – ۱۴ – سرگردان و بی‌خانمان –
- امت‌ها – شاطر – ۱۵ – فصل گرما – قوی

حل جدول ۱۲۰۹

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	ب	ش	۵	پ	ا	ت	ی	۱۰	م	۴	ت	ا	ب	۱
۲	۱	ن	ز	ج	ا	ر	س	۱۱	ر	ا	ف	۵	و	۲
۳	ر	و	ی	ا	ن	ر	س	۱۲	ت	۱	ا	ر	۱	۳
۴	۱	د	ب	د	ب	ی	ر	۱۳	د	س	ت	ی	ا	۴
۵	۵	ا	ش	۱	ا	ر	ت	۱۴	د	ی	ر	س	۱	۵
۶	۱	۱	ر	و	م	ر	۱	۱۵	۱	۱	ر	۱	۱	۶
۷	ش	۱	و	ر	۱	۱	۱	۱۶	۱	۱	۱	۱	۱	۷
۸	۱	ک	۱	۱	۱	۱	۱	۱۷	۱	۱	۱	۱	۱	۸
۹	۱	ا	ک	۱	۱	۱	۱	۱۸	۱	۱	۱	۱	۱	۹
۱۰	ت	۱	ا	ف	۱	۱	۱	۱۹	۱	۱	۱	۱	۱	۱۰
۱۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۲۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱۱
۱۲	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۲۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱۲
۱۳	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۲۲	۱	۱	۱	۱	۱	۱۳
۱۴	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۲۳	۱	۱	۱	۱	۱	۱۴
۱۵	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۲۴	۱	۱	۱	۱	۱	۱۵

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عدد‌های بی تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشور های مختلف به چاپ می‌رسد.

حل سودوکو ۲۱۷

۷	۸	۲	۶	۱	۳	۵	۹	۴
۶	۳	۵	۲	۹	۴	۷	۱	۸
۱	۴	۹	۵	۷	۸	۲	۶	۳
۳	۱	۷	۸	۵	۶	۴	۲	۹
۸	۵	۴	۹	۳	۲	۱	۷	۶
۲	۹	۶	۷	۴	۱	۸	۳	۵
۵	۲	۱	۴	۶	۹	۳	۸	۷
۹	۷	۸	۳	۲	۵	۶	۴	۱
۴	۶	۳	۱	۸	۷	۹	۵	۲

جایی در دور دست

وقتی پیری معنایی ندارد

دیلی میل: اگر از خدا ۹۰ سال عمر گرفته باشید حتما به این نکته که ورزش را باید در این سن هم انجام داد، می‌خندید چرا که نسوه و نتیجه‌ها فرصت سر خازندن هم بهتان نمی‌دهند چه برسد به ورزش. اما دنیس ویلکاک ۹۲ ساله، گوشش به این مسایل بدهکار نیست و در ۹۲سالگی مثل یک جوان ۲۰ ساله برای ورزش کردن انگیزه دارد. او ماه گذشته در مسابقات قهرمانی شمشیر بازی سربازان سابق انگلیسی شرکت کرد و حرفانی که دهه‌سال از او جوان‌تر بودند را شکست داد. او پیرترین شمشیر باز انگلیسی است که در مسابقات شرکت می‌کند. او از دوره جوانی عضو باشگاه شمشیر بازی بوده. باشگاهی که از ۵۰۰ عضو، ۳۰ نفر بین ۷۰ تا ۷۹ سال سن دارند و پنج نفر، هشتمین دهه عمر شان را سپری می‌کنند. مالکوم فیر، سخنگوی باشگاه شمشیر بازان ارتشی می‌گوید: «با وجود اینکه به خاطر شرایط سنی، دنیس سرعت و قدرت گذشته‌اش را ندارد اما در تورنمنتی که برگزار شد توانست به‌واسطه تجربه‌اش حرفان جوان‌تر از خودش را شکست دهد.» ویلکاک ۶۵سال است که شمشیر بازی می‌کند و فعلا برنامه‌ای برای کنار گذاشتن ورزش مورد علاقه‌اش ندارد.

او می‌گوید: «شمشیر بازی ورزشی قدیمی است که تاریخ‌شیرینی دارد و دوست ندارم آن را کنار بگذارم.» ویلکاک برای اولین بار در جنگ جهانی دوم این بازی را از یک پروفیسور فرانسوی به نام هنری فویر – که در ارتش فرانسه خدمت می‌کرد – یاد گرفت. فویر به همراه نیروهای انگلیسی علیه آلمانی‌ها می‌جنگید. طبق گفته ویلکاک در آن زمان یادگیری شمشیر بازی برای نیروهای فرانسوی اجباری بوده. ویلکاک از آن زمان تا به امروز شمشیر بازی را ادامه داده و کارهای دیگرش باعث نشده که او از خیر ورزش مورد علاقه‌اش بگذرد. او که زمانی وارد باشگاه پلیموت شده بود با افراد بزرگی نظیر باب اندرسون، مربی تیم شمشیر بازی انگلیس تمرین کرده است. او که شمشیر بازی جزئی از زندگی‌ش شده با قهرمانان المپیک مثل کیت النسبی و تیت فل مسابقه داده.

دنیس به جز شمشیر بازی، دوچرخه سواری را هم به صورت منظم انجام می‌دهد تا آمادگی بدنی‌اش را حفظ کند. به گفته فیر، شمشیر بازان تازمانی که توان داشته باشند از پیست شمشیر بازی کنار نمی‌روند و این وسط ورزش‌شکارانی هم بودند که به خاطر این رشته مجبور شده‌اند مفاصل و استخوان‌های خود را به جراحان بپردازند هر چند به نظر می‌رسد که جذابیت این رشته ارزش هر کاری را برای طرفدارانش دارد.

–دشت و صحرا – کلیات اشعار ۸ – نوعی شلوار ماه و خورشید – سوئد ۹ – فرستادن – جاهل – کشوری بر علیه «علی عبدالله صالح» ۱۰ – روز‌ها دارای پیچ و تاب ۱۱ – حمله – پارچه‌فروش – شیوه کار – جنس مذکر ۱۲ – مادر – بیمار – ساز ضربی دایره‌شکل – طاقت و تاب ۱۳ – سلام – اهل مرکز مازندران – باران به صورت قطره‌های ریز ۱۴ – هفت توالی ۶ – از... شیخ، این است، شیره را خورد و طلوع و خیر – از شیخ‌نشین‌های امارات – رودی در خوزستان ۱۵ – مستاصل – دیکتاتوری

جدول ۱۵

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱														
۲														
۳														
۴														
۵														
۶														
۷														
۸														
۹														
۱۰														
۱۱														
۱۲														
۱۳														
۱۴														
۱۵														

جدول ۲۱۸

۴			۳		۵	۶
۲	۳			۴		۷
			۴		۵	
				۹		
			۲			
			۱	۳	۹	
۳	۸	۵			۶	۱
			۸			

سودوکو ۲۱۸

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱– در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.
۲– در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شودو در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.